

# انگاره‌های اعتقادی و دفاع از مقدسات اسلامی در فلسطین

مهدی شکیبایی\*

## چکیده

اقدام آقای ترامپ رئیس جمهور آمریکا در شناسایی قدس به عنوان پایتخت اسرائیل با واکنش‌های گسترده‌ای در جامعه فلسطینی و جهان اسلام روبه‌رو شده است. آیا این واکنش‌ها مقطعی و زودگذر است یا در فرهنگ و باورهای اجتماعی مسلمانان ریشه‌دار است و استمرار خواهد یافت. در این مقاله تلاش شده است به صورت کاملاً علمی این موضوع مورد بررسی قرار گرفته و واکنش جهان اسلام در قبال معامله قرن ریشه‌یابی شود.

واژگان کلیدی: انگاره‌ها و اعتقادات، قدس، فلسطین، رژیم صهیونیستی، آمریکا، معامله قرن، انقلاب اسلامی، قرآن، روایت‌های دینی.

\*مدیرعامل خبرگزاری قدس و قائم مقام جمعیت دفاع از ملت فلسطین



## مقدمه

دولت آمریکا در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۲۵ سفارت خود را از تل‌آویو به بیت‌المقدس منتقل کرد. این انتقال طی مراسمی در سالروز اشغال رسمی سرزمین فلسطین و اعلام تأسیس رژیم صهیونیستی در آن انجام گرفت؛ موضوعی که با استقبال تنها چند کشور کوچک جهان مانند پاناما و گواتمالا رو به رو شد و تقریباً همه کشورهای جهان با این اقدام آمریکا مخالفت کردند. اقدام آمریکا ناقض مقررات بین‌المللی و خلاف قطعنامه‌های بین‌المللی (۱۸۱، ۱۹۴ و ۲۴۲ سازمان ملل متحد) محسوب می‌شود که به همین دلیل در سطح بین‌المللی با استقبال رو به رو نشد. هرچند آمریکا و رژیم صهیونیستی امیدوارند با توجه به جایگاه آمریکا در نظام بین‌الملل به عنوان یک قدرت مؤثر و یک هژمون برتر، این اقدام به موضوعی قابل قبول تغییر وضعیت یابد. ضمیمه‌سازی بیت‌المقدس و انتقال پایتخت رژیم صهیونیستی به این شهر مقدس اسلامی و تاریخی، یک خواسته پیوسته صهیونیست‌ها از زمان اشغال سرزمین فلسطین بوده است اما این موضوع با توجه شرایط خاص منطقه بیت‌المقدس و جایگاه تاریخی و دینی آن و نیز قطعنامه‌های بین‌المللی امکان‌پذیر نبوده است. صهیونیست‌ها با توجه به نفوذ لابی‌های صهیونیستی موفق شدند در سال ۱۹۹۵ میلادی قانونی را در کنگره آمریکا به تصویب برسانند که به موجب آن، رؤسای جمهور این کشور، موظف شدند در راستای انتقال سفارت این کشور از تل‌آویو به بیت‌المقدس تلاش نمایند و گزارش اقدامات مربوطه خود را هر شش ماه یک بار به کنگره ارائه دهند اما این موضوع همواره از سوی رؤسای جمهور آمریکا تعلیق می‌شد و به تعویق می‌افتاد زیرا این اقدام خلاف مقررات نظام بین‌المللی بود که دولت آمریکا خود به عنوان رأس این نظام آن را تصویب کرده بود؛ موضوعی که می‌توانست به جایگاه این کشور در نظام بین‌المللی آسیب جدی وارد کند. با تحویل گرفتن دولت آمریکا از سوی دونالد ترامپ و نوع تعامل منفی وی با ساختارهای بین‌المللی، صهیونیست‌ها احساس کردند تنها فرصت تاریخی برای یک‌سره کردن مسئله فلسطین فراهم شده است و از طریق عوامل خود در ساختار نظام آمریکا خصوصاً جerald کوشنر که یک یهودی اسرائیلی - آمریکایی و داماد و مشاور ارشد رئیس‌جمهور آمریکا است، رئیس‌جمهور این کشور را وادار ساختند تا با نادیده گرفتن قطعنامه‌های بین‌المللی، ضمن شناسایی بیت‌المقدس به عنوان پایتخت رژیم



صهیونیستی، دستور انتقال سفارت آمریکا به این شهر را صادر کند. انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس سؤالات بسیاری را درباره پیامدهای آن در سطح بحران فلسطین، منطقه، جهان اسلام و جهان مطرح می‌سازد. واکنش نظام بین‌الملل درباره این اقدام غیرقانونی آمریکا چه خواهد بود و آیا این نظام توانایی استمرار بر مخالفت با آن را دارد؟ این اقدام چه تغییری در معادله درگیری فلسطینیان با رژیم صهیونیستی ایجاد خواهد کرد و جامعه فلسطینی چه واکنشی از خود نشان خواهد داد؟ کشورهای منطقه نسبت به این اقدام آمریکا چه موضعی را اتخاذ خواهند کرد؟ موضع جهان اسلام در این تجاوز آشکار به مقدسات اسلامی چه باید باشد؟ در صورت موفقیت آمریکا و صهیونیستها در عبور از این مرحله، آیا در صدد تسری این اقدام در سطح منطقه بر خواهند آمد؟ و آیا این اقدام سرآغاز اقدامات گسترده‌تر تحت عنوان معامله قرن خواهد بود؟

در این مقاله تلاش می‌شود پیامدهای اقدام آمریکا در انتقال سفارت این کشور به بیت‌المقدس را بر اساس نظریه سازه‌نگارانه مورد بررسی قرار دهیم.

## ۱- چارچوب نظری

سازه‌نگاری از نظریه‌های نو پدید در حوزه تئوری‌های روابط بین‌الملل است که سابقه طرح آن به سال ۱۹۸۰ میلادی بازمی‌گردد. «طیف وسیعی از نظریات سازه‌نگاری از نوع متعارف آن تا رادیکال، باعث شده است تا عملیاتی کردن این نظریه مشکلات خاص خود را داشته باشد.» پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بسیاری از نظریه‌پردازان در فهم انقلاب اسلامی بر اساس نظریه‌های متعارف، دچار مشکلات جدی بودند تا اینکه برخی از اندیشمندان جامعه‌شناسی، متغیر باورها و هنجارهای فکری را در محدوده تحلیل وارد کردند و تئوری سازه‌نگاری را پدید آوردند «اما با این حال اندیشمندان این رویکرد، سه مورد کلی را به عنوان گزاره‌های اصلی سازه‌نگاری پذیرفته‌اند:

- ۱- ساختارهای هنجاری و فکری به اندازه ساختارهای مادی دارای اهمیت است؛
- ۲- هویت‌ها و هنجارها در شکل‌گیری منافع و کنش‌ها نقش تعیین‌کننده دارند؛



۳- ساختار و کارگزار متقابلاً به هم شکل می‌دهند.  
با این حال، اندیشمندان مختلف رهیافت سازه‌انگاری، تقسیم‌بندی‌هایی از این نظریه و مفروض‌های آن بیان نموده‌اند. از منظر واینر، مهمترین گزاره‌های رهیافت سازه‌انگاری به قرار زیر است:

- ۱- محیط جهانی تنها به عوامل مادی محدود نمی‌شود بلکه فاکتورهای فکری و هنجاری نیز اهمیت دارند؛
- ۲- خصوصیات دولت‌ها نتیجه تعاملات آنها است و دولت‌ها دارای صفات ذاتی و از پیش تعیین شده نیستند؛
- ۳- منافع و هویت‌ها، مفروض و از پیش تعیین شده نیست بلکه نتیجه تعامل اجتماعی است که در فرایندهای بین‌المللی در معرض تغییرند؛
- ۴- انواع تعامل عبارت‌اند از: مذاکرات؛ چانه‌زنی؛ بحث و استدلال و ارتباط همگانی و عمومی با علامت‌ها و سخنرانی‌ها؛

۵- تصمیم‌گیری در امور جهانی در سه سطح صورت می‌گیرد:

- ۱- نهادهای رسمی مثل رژیم‌های امنیتی؛
  - ۲- فرهنگ سیاسی جهانی (حکومت قانون، قواعد و هنجارها)؛
  - ۳- فاکتورهای انگاره‌ای از جمله الگوهای دوستی و دشمنی، روابط سیاسی میان کشورها.
- سازه‌انگاری ابتدا بیشتر با نام الکساندر ونت شناخته می‌شد اما به دنبال ناتوانی تئوری‌های سنتی در پیش‌بینی تحولات جهانی، توسط اندیشمندان دیگر، رشد و گسترش یافت و در حال حاضر یکی از تئوری‌های غالب در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. از اندیشمندان برجسته سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل می‌توان به استفان وارینگ، میچل بارنت، نیکلاس اوفن، کاتزنساین، راگی، ویور، چکل و انتونی کلارک اشاره کرد. علاوه بر واینر، چکل نیز به تقسیم‌بندی رهیافت سازه‌انگاری پرداخته است. وی این رهیافت را به سه دسته هویتی، تفسیری و رادیکال - انتقادی تقسیم می‌کند. سازه‌انگاری هویتی که مکتب حاکم در ایالات متحده است، به بررسی نقش هنجارها و در موارد معدودتری به نقش هویت‌ها در شکل‌گیری نتایج سیاست بین‌الملل می‌پردازد. اندیشمندان این دسته، از لحاظ معرفت‌شناسی پوزیتیویست





هستند که بیشتر به تأثیر یک پدیده بر پدیده دیگر می‌پردازد (تأثیر هنجارها). سازه‌انگاری تفسیری که عمومیت بیشتری در اروپا دارد، نقش زبان را در ساخت واقعیت اجتماعی بررسی می‌نماید که از لحاظ معرفت‌شناسی، پست - پوزیتیویست است. در این تئوری، نه به تأثیر a بر b بلکه به مقدر بودن (ممکن و شدنی بودن آنها) و تشریح مضمون هویت دولت‌ها در یک مورد خاص پرداخته می‌شود. سازه‌گرایی رادیکال - انتقادی، از کانون‌های زبانشناختی حمایت و پشتیبانی می‌کند اما با تأکید بر بازتولید هویت‌ها، دارای یک بعد هنجاری صریح است. هر دو سازه‌انگاران تفسیری و رادیکال - انتقادی، منابع اساسی تئوریک‌شان به رهیافت زبانشناختی ویتگنشتاین برمی‌گردد و در تحلیل‌های خود با تأکیدی که بر گفتمان‌های فکری و معرفتی و بازی‌های زبانی دارند، در جرگه پست‌مدرن‌ها قرار می‌گیرند.

همچنین «دایز» سازه‌انگاری را به دو دسته اجتماعی و تئوریک تقسیم می‌کند. در نوع اجتماعی آن به صفت یا کیفیت واقعیت اجتماعی پرداخته می‌شود (کاتزنستاین و گیدنز) و نوع تئوریک آن به شرایط و وضعیت دانش ما از واقعیت می‌پردازد. معمولاً تأکید صرف بر هویت و فاکتورهای ایده‌ای در روابط بین‌الملل، به معنای سازه‌انگار بودن و تحلیل سازه‌انگاره از بحث یا موضوع نیست.

رویس اسمیت سازه‌انگاری را به دو دسته فراملی و داخلی (اجتماعی) تقسیم می‌کند که در سطح بین‌الملل بر نقش هنجارهای بین‌المللی و در سطح داخلی بر هنجارهای درون جامعه اشاره دارد. این رهیافت اعتقاد دارد که سیاست بین‌الملل در قالب جامعه بین‌الملل شکل می‌گیرد، این جامعه مبتنی بر هنجارها و قواعد خاصی است و این هنجارها و قواعدند که بر اساس آن، منافع را شکل می‌دهند و هنجارها دلیل عقلانی رفتار بهتر دولت‌ها را فراهم می‌نمایند. این رویکرد صرفاً بر شرایط و نیروهای مادی تکیه نکرده، بلکه اولویت اصلی را به انگاره‌ها و اندیشه‌ها می‌دهد و تمرکز اصلیشان را بر روی اعتقادات بین‌الذهانی که در سطح گسترده میان مردمان جهانی مشترک‌اند، قرار می‌دهند. منافع و هویت‌های انسان‌ها از طریق همان اعتقادات مشترک شکل گرفته و تبیین می‌شوند.

در چارچوب تحلیل سازه‌انگاری نمی‌توان سیاست بین‌الملل را در حد یک سلسله تعاملات و رفتارهای عقلایی و در چارچوب‌های صرف مادی و نهادی در سطوح ملی و بین‌الملل تقلیل

داد زیرا تعاملات دولت‌ها بر اساس یک سلسله منافع ملی تثبیت شده، شکل نگرفته است بلکه در طول زمان به صورت نوعی الگوی رفتاری از طریق هویت‌ها شکل می‌یابند یا باعث تشکیل هویت می‌شوند.

سازمان‌نگاری اجتماعی مدلی از تعاملات بین‌المللی را ارائه می‌دهد که طی آن مساعی لازم را به عمل می‌آورد تا تأثیر هنجاری ساختارهای نهادی بنیادی را بررسی کرده و ارتباط میان دگرگونی‌های هنجاری، هویت و منافع دولت‌ها را مشخص نماید. از آنجا که هویت دولت‌ها به زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بستگی دارد بنابراین در وضعیت متغیر به سر می‌برند. منافع مانند هویت‌ها از طریق عملکردهای اجتماعی حاصل می‌شود.

برای حصول اطمینان از یک سطح قابل پیش‌بینی و نظم در سیاست بین‌الملل و نیز جامعه داخلی، هویت یک امر ضروری به حساب می‌آید. سازه‌گرایان بر نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل تأکید دارند و کانون توجه آنان، آگاهی بشری و نقشی است که این آگاهی در روابط بین‌الملل ایفا می‌کند. در این رویکرد، ساختار و کارگزار به شکلی متقابل بر هم تأثیر می‌گذارند. ساختار جدا از رویه‌های کنشگران وجود ندارد. در این رویکرد دولت‌ها نهادهایی هستند که موجودیت و خصوصیتشان وابسته به بازتولید انواع خاصی از رویه‌هاست. دولت صرفاً واحد حقوقی و یا سازمان رسمی نیست بلکه مجموعه‌ای از رویه‌هاست که به شکل هنجاری قوام یافته‌اند.

اکنون خلاصه‌ای از تئوری سازه‌نگاری را از دید سه اندیشمند برجسته این مکتب بیان می‌کنیم:

راگی سازه‌نگاری اجتماعی را آگاهی بشری و نقش آن در امور بین‌الملل می‌داند که متکی بر بعد بین ذهنی کنش بشری است. وی بیان می‌کند که هویت‌های بازیگران و منافع‌شان از لحاظ اجتماعی ساخته شده‌اند و حقیقت‌های اجتماعی برای دوام‌شان نیاز به نهاد‌های بشری (پول، ازدواج، حاکمیت و...) دارند.

تاهامو، سازه‌نگاری را چارچوبی برای تحلیل روابط بین‌الملل می‌داند که ریشه‌اش به جامعه‌شناسی برمی‌گردد و دارای فرضیات مشترکی با مکتب انگلیسی است. در این رهیافت دولت‌ها به مثابه موجودات اجتماعی هستند که رفتارشان از قواعد، هنجارها، نهادها و هویت‌ها



مشق شده است. وی سازه‌انگاری را به عنوان یک جایگزین تئوریک در مطالعه روابط بین‌الملل می‌داند.

ونت در تئوری اجتماعی سیاست بین‌الملل بیان می‌کند که تعامل میان بازیگران، بستگی به ساختار دانش سیستم بین‌الملل دارد. دانش را به عنوان فرهنگ و معانی مشترک تعریف می‌کند. تأثیر و هستی فرهنگ، جدا از عقاید اشخاص نمی‌تواند باشد اما در عین حال به آنها نیز محدود نمی‌شود بلکه بستگی به چگونگی مفهوم‌سازی دیگران دارد. ونت به سه سطح کلان از ساختارهای دانش یا فرهنگ به نام‌های هابزی، کانتی و لاکي اشاره می‌کند. رفتار دولت‌ها در سیاست خارجی، بستگی به نوع فرهنگی دارد که در خود درونی کرده‌اند. در فرهنگ هابزی تلاش برای پیروزی و تخریب دیگران وجود دارد، تأکید زیادی بر فاکتورهای نظامی دارد و اگر جنگی هم رخ دهد، دولت‌ها زورشان را محدود نخواهند کرد. در فرهنگ لاکي دولت‌ها علیرغم تضادهایی که دارند به حاکمیت هم احترام می‌گذارند. قدرت نظامی مهم است اما یک اولویت نیست. در فرهنگ کانتی دولت‌ها منازعات خود را بدون جنگ و خونریزی حل و فصل می‌کنند و دولت‌ها به صورت تیمی عمل می‌کنند. دولت‌ها بر حسب نوع درونی کردن این فرهنگ‌ها در خود، رفتار متفاوتی را در سیاست خارجی در پیش می‌گیرند و به تبع وضعیت، نقش آنها نیز متفاوت خواهد بود.

به نظر ونت سازه‌انگاری یک تئوری ساختاری از سیستم بین‌الملل است که:

۱- دولت‌ها واحدهای اصلی تحلیل کردن تئوری سیاست بین‌الملل هستند.

۲- ساختارهای اساسی در سیستم دولت‌ها، بین‌ذهنی است.

۳- هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط ساختارهای اجتماعی‌شان و در فرایند تعامل ساخته می‌شوند.

۴- ساختار و کارگزار به صورت متقابل بر هم اثر می‌گذارند.

مهم‌ترین تأکید ونت بر هویت است که در فرایند تعامل بین دولت‌ها ایجاد می‌شود.

در نهایت دیوید پاتریک هاگتن اشتراکات میان شاخه‌های مختلف سازه‌انگاری را به صورت زیر بیان می‌دارد:

- ساختار و کارگزار متقابلاً ساخته می‌شوند و یکی بر دیگری برتری و تسلط ندارد.



- ایده‌ها، هویت‌ها و منافع دولت‌ها را شکل یا تکوین می‌دهند و تأکید خاصی بر ایده‌های جمعی و هنجارها دارند؛ همان‌طور که فینن مور و سکینک نوشته‌اند، فاکتورهای ایده‌ای قابل تقلیل به اشخاص نیستند.

- چهارمین فاکتور مشترک را هویت‌ها می‌داند که این مورد توسط انسانها و ایده‌هایشان ساخته می‌شود.»

## ۲- نظریه سازه‌انگاری و انقلاب اسلامی ایران

در واقع نظریه‌های سازه‌انگاران در اواخر دهه هشتاد میلادی و پس از ناتوانی تئوری‌های قبلی در تحلیل رفتار انقلاب اسلامی متولد شده است؛ یعنی اساساً تئوری سازه‌انگاران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی مطرح و سپس تبدیل به یک تئوری جدید برای تفسیر و فهم رفتار انقلاب اسلامی و چرایی پیروزی آن شد. در بحبوحه انقلاب اسلامی مردم ایران در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ غرب تلاش بسیاری برای جلوگیری از پیروزی انقلاب کرد و حتی در این چارچوب با فرستادن ژنرال هایزر سعی کرد شرایط جاری را درک کند و با مدیریت وضع موجود، به حفظ ساختار رژیم پهلوی بپردازد.

این تلاش‌ها در واقع بر اساس تئوری‌های موجود و مطرح آن زمان صورت گرفت اما به علت ناتوانی در فهم پدیده انقلاب اسلامی شکست خورد و نتیجه همه این تلاش‌ها چیزی جز ناکامی نبود. جامعه ایران یک جامعه دینی و بر پایه نوعی از ایمان و پایبندی به اسلام و مرجعیت دینی بود و انقلاب مردم ایران هم بر اساس این فرهنگ و باور دینی شکل گرفت، موضوعی که در تئوری‌های تغییرات اجتماعی قابل درک نبود. همان‌طور که گفته شد، در تئوری سازه‌انگاران، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در شکل‌گیری سیاست ایفا می‌کند و کسب منافع اقتصادی و سیاسی هدف اصلی رفتار دولتها نیست. به عبارت دیگر از درون فرهنگ و باورها است که سیاست تعریف می‌شود. حال آنکه بر پایه سایر تئوری‌های اجتماعی مطرح در غرب، هدف اصلی رفتار دولتها، کسب منافع اقتصادی و سیاسی است و به همین دلیل هویت‌ها، هنجارها، باورها و فرهنگ‌ها باید در درون سیاست تعریف و متولد شوند. تئوری‌های اجتماعی قبلی، به همین دلیل، ناتوان از تفسیر و فهم رفتار جامعه ایران در





ارتباط با آرمان آزادی فلسطین است. از همان آغاز شکل‌گیری بحران در فلسطین، جامعه ایران نسبت به آزادی فلسطین دغدغه پیدا کرد. این جامعه پس از شکل‌گیری نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی، این دغدغه را همچنان حفظ کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و قرار گرفتن آرمان فلسطین در اولویت سیاست خارجی آن، شکل جدیدی از رفتار بین‌المللی نمایان شد. رفتاری که مبتنی بر باورهای دینی و فرهنگی و وعده‌های قرآنی است و در چارچوب روابط بین‌الملل که مبتنی بر شناخت متغیرها با سنجیدن شاخصها است، قابل فهم نبود. از دهه نود میلادی با تکمیل تئوری سازه‌نگاری، امکان بررسی این مدل از رفتار بین‌المللی فراهم شد زیرا تئوری سازه‌نگارانه، اموری مانند باورهای دینی، تمدنی و فرهنگی را به عنوان شاخص در تحلیل رفتار دولت‌ها قبول داشته و مورد بررسی عمیق قرار می‌دهد.

ایران کشوری است که در قبال آرمان آزادی فلسطین هزینه‌های سنگینی پرداخت می‌کند. چهل سال است که علیرغم زیان‌های اقتصادی و سیاسی، این کشور همچنان بر پایبندی به آرمان آزادی فلسطین تأکید دارد. این موضوعی است که غرب تلاش در فهم آن دارد. افزون بر آن، خود رفتار غرب نیز مبتنی بر نوعی انگاره‌های دینی است که به باورهای نئو انجلیست‌های آمریکا و انگلیس با بحث ظهور ارتباط دارد.

شناسایی قدس یا اورشلیم به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی بی‌ارتباط با وعده‌های دینی مرتبط با بحث ظهور نیست و نمی‌توان آن را در تئوری‌های رایج در روابط بین‌الملل بررسی کرد. از این رو می‌توان گفت که کنش و واکنش درباره قدس، بر پایه باورهای دینی صورت می‌گیرد و بدون چنین فهمی نمی‌توان این رفتارها را تحلیل کرد.

### ۳- قدس و هنجارهای انگارانه اسلامی

موضوع بیت‌المقدس، بر پایه انگاره‌های دینی، تمدنی و تاریخی، برگرفته از برخی آیات و روایات اسلامی استوار است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» این آیه که مفسرین قرآن از آن قاعده «نفی سبیل» را استخراج کرده‌اند، تأکید دارد کفار نباید بر جوامع مسلمان در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی



و غیره مسلط شوند و اگر دارالاسلام از سوی دارالکفر اشغال گردد، بر همه مسلمانان واجب است که آن سرزمین را از کافران پس بگیرند. بر اساس این آیه، جامعه مسلمان مکلف است در مقابل تلاش جوامع دیگر برای سلطه بر بخشی یا همه جهان اسلام ایستادگی کند. فلسطین از سال ۱۹۴۸ و قدس از سال ۱۹۶۷ در اشغال صهیونیست‌ها است و آزادسازی آن یک تکلیف اسلامی است. از پیامبر اسلام روایت شده است: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْمَ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» این حدیث تأکید دارد کسی که روزی از او بگذرد و در آن روز نسبت به امور مسلمانان تلاشی نداشته باشد، از پیروان پیامبر نیست و اگر مسلمانان، پاسخ یک انسان را که مسلمانان را به یاری فرا می‌خواند ندهند، دیگر مسلمان نیستند. همچنین خداوند متعال در سوره اسراء اعلام کرده است که بنی‌اسرائیل به سرزمین فلسطین حمله خواهد کرد، آن را اشغال می‌کند و به یک جایگاه بالایی از قدرت می‌رسد اما بندگان خداوند می‌آیند و این سرزمین را آزاد خواهند کرد. این وعده متضمن تکلیف نیز است که بندگان خدا باید انجام دهند. بر این اساس تا زمانی که در جوامع مسلمان این پایبندی دینی وجود دارد، پایبندی به آرمان آزادی قدس نیز وجود خواهد داشت و هرچه تهدیدات نسبت به این مکان مقدس افزایش یافته و جدی‌تر شود، واکنش جوامع اسلامی نیز ابعاد بیشتری پیدا خواهد کرد، هر چند رژیم‌های وابسته برخلاف این آرمان عمل کنند.

راهپیمایی‌های بازگشت همانطور که از ادبیات جامعه فلسطین دریافت می‌شود، در واقع واکنشی جدی به تهدیداتی است که از سوی آمریکا و اسرائیل متوجه بیت‌المقدس شده است. هر چند جریان سلطه به رهبری آمریکا تلاش دارد این انگاره‌های دینی را از طریق برخی رژیم‌های عربی منطقه مانند عربستان مهار کند اما تحولات منطقه نشان می‌دهد که در این تلاشها موفق نخواهد شد زیرا این رژیم‌ها خصوصاً عربستان، سال‌ها است که جایگاه دینی خود را از دست داده‌اند. رژیم عربستان بر پایه تفکر وهابی شکل گرفته است؛ تفکری که تفسیری انحرافی از اسلام است. پس از ظهور گروه‌های تکفیری القاعده، جبهه‌النصره، داعش و ده‌ها گروه دیگر و شکست آنها در مقابل مردم، عملاً جریان فکری حاکم بر عربستان دچار بحران گردید به گونه‌ای که در خود عربستان، حمایت از وهابیت با مشکل مواجه شد. رژیم عربستان با توجه به درآمد حاصل از فروش نفت، با تزریق پول در جوامع مختلف اسلامی تلاش کرد تا



این تفکر را ترویج دهد و خود را به عنوان رهبر جهان اسلام مطرح سازد اما علمای اهل سنت اسلام در اجلاس گروزی در سال ۲۰۱۶ با صدور بیانیه‌ای که شیخ احمد الطیب (شیخ الازهر) آن را قرائت کرد تفکر وهابی را تفکری انحرافی و خارج از اسلام و اهل سنت دانستند و با آن به مقابله برخاستند. در سالهای اخیر با توجه به اقدامات تروریستی در سطح جهان اسلام که مبتنی بر آموزه‌های وهابیت شکل گرفت و نیز آشکار شدن وابستگی و مزدوری این رژیم برای غرب و اسرائیل، عربستان آن جایگاه اولیه خود را از دست داده است.

### نتیجه‌گیری

تا زمانی که غرب بر پایه باورهای مسیحیان انگلیکان\* و یهودیان صهیونیست و روایت‌های عهد قدیم عمل می‌کند و بیش از هزار کلیسا و نزدیک به هزار ایستگاه رادیو و بیش از دو بیست شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای اعلام می‌کنند که ایجاد اسرائیل در فلسطین با پایتختی اورشلیم یک وظیفه دینی است که مقدمه ظهور به شمار می‌رود، رفتار غرب قابل تحلیل در چارچوب قدرت و هژمون و افزایش تسلط بر این منطقه نیست. در حال حاضر ۳۸ سفارت انجیلی در دنیا وجود دارد که وظیفه آنها جمع‌آوری کمک برای اسرائیل است. این سفارتخانه‌ها همچنین برای گسترش شهرک‌سازی در کرانه باختری، بیشترین کمک مالی را به اسرائیل تقدیم می‌کنند. این جریان (نئو انجلیست‌ها) در آخرین انتخابات آمریکا موفق شد کاندیدای خود را به قدرت برساند و شرایط جدیدی بر معادله موجود میان فلسطینیان و اسرائیل حاکم سازد. اسرائیل احساس می‌کند که کسی مانند ترامپ به عنوان طرفدار آنها، نیامده و نخواهد آمد و به همین دلیل از او درخواست کردند که حل بحران خاورمیانه و تثبیت اسرائیل را در این دوره چهار ساله به عهده گیرد و در همین راستا واشنگتن، قدس را به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخت و قصد دارد با معامله قرن، نیازهای امنیتی اسرائیل را تأمین کند.

در چنین شرایطی که اماکن مقدس اسلامی در معرض تهدید قرار گرفتند و برخی از حکام کشورهای اسلامی به بهانه تهدید ایران، در صدد ائتلاف با دشمن صهیونیستی هستند، ورود مردم مسلمان به صحنه برای دفاع از امنیت جهان اسلام و مقدسات آن در فلسطین آغاز شد. راهپیمایی بازگشت، یکی از نمونه‌های فعالیت مردمی در جهان اسلام است. این حرکت

\* این مذهب، با نهضت اصلاحی تئودور (انگلیکان) پایه گذاری شده و اکنون به عنوان مذهب چهارم مسیحیت شناخته می‌شود



مردمی مبتنی بر اعتقادات دینی است و هدفش نجات قدس شریف از چنگال صهیونیست‌ها است. قالب فکری این حرکت اجتماعی در حال گسترش در فلسطین، بازگشت آوارگان فلسطینی به شهرهای اصلی خود است که از لحاظ حقوقی نیز از پشتوانه قطعنامه ۱۹۴ سازمان ملل برخوردار است. این حرکت اعتقادی، نافی بسیاری از چارچوب‌های سیاسی است که رهبران فلسطین تا کنون انجام داده‌اند. سازشکاران فلسطینی، موجودیت اسرائیل را در سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ به رسمیت شناخته و تنها درباره کرانه باختری و نوار غزه (۲۱٪ فلسطین) گفتگو می‌کنند در حالی که راهپیمایی بازگشت، بازگشت آوارگان به شهرها و روستاهای خود در سرزمین اشغالی ۱۹۴۸ را نشانه گرفته است و به همین علت نمی‌توان هیچ گونه ارتباط میان دولت خودگردان با این حرکت سیاسی را متصور شد.

البته این حرکت به علت اشتراک فکری با دیگر جوامع اسلامی بی‌پاسخ نخواهد ماند و تظاهرات متعدد در دفاع از قدس در کشورهای مختلف اسلامی، طلیعه تحریک‌های گسترده در جهان اسلام برای دفاع از مقدسات است. مسلمانان می‌دانند که ساکت ماندن در مقابل این تهاجم آمریکا به قدس، تنها محدود به قدس نخواهد ماند بلکه انفعال آنها در مقابل این اقدام آمریکا، یک پیام مهم برای آمریکا و اسرائیل در بر دارد و آن اینکه مسلمانان نسبت به هویت دینی خود بی‌تفاوت هستند و به این ترتیب، آنان از انگیزه لازم برای تجاوز به مکه و مدینه و اشغال کامل شبه جزیره عربستان و دیگر سرزمین‌های مقدس اسلامی برخوردار خواهند شد. بر این اساس انتقال سفارت، قطعه‌ای از یک طرح بزرگ جریان سلطه یا همان صهیونیسم جهانی (به تعبیر امام خمینی) برای یک‌سره‌سازی اهداف سلطه‌طلبانه خود در سطح منطقه و جهان اسلام است و مخاطرات آن تنها برای فلسطین نخواهد بود و همه ملل مسلمان باید هزینه آن را پرداخت کنند. شکی نیست که رژیم‌های حاکم بر جهان اسلام، مسئولیت زیادی در دفاع از باورهای مردم مسلمان دارند و اگر به هر دلیلی در صف دشمن قرار گرفتند با واکنش مردم معتقد و مسلمان رو به رو خواهند شد.



## منابع

- امیرمحمدی، محمد، "سازهانگاری در روابط بین‌الملل"، هفته‌نامه خردنامه، شماره ۴۳، ۱۳۸۳، قابل مشاهده در:  
<http://www.bashgah.net/fa/content/show/19402>, last visited: 2017.7.11
- ونت، الکساندر، **نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل**، مترجم حمیرا مشیرزاده، چاپ اول، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵.
- آندرو لینک لیتر، **نو واقع‌گرایی، نظریه انتقادی و مکتب برسازی**، مترجم علیرضا طیب، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۸۶.
- کرمی، جهانگیر، **تحولات سیاست خارجی روسیه: هویت دولت و مسئله غرب**، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
- «سیاست خارجی از منظر تکوین‌گرایی اجتماعی»، راهبرد، شماره ۳۱، ۱۳۸۳، صفحه ۱۶۰-۱۷۴.
- هادیان، ناصر، «سازهانگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۷، شماره ۴، ۱۳۸۲، صفحه ۹۱۵-۹۵۰.

## English

- David Patrick Houghton, "Reinvigorating the Study of Foreign Policy Decision Making: Toward 10. Constructivist Approach", *Foreign Policy Analysis*, Vol.3, NO.1, January 2007.
- Jeffrey T Checkel, "The constructivist turn in international relations theory" *World Politics* – Vol.50, No.2, January 1998.
- V. Kubalkova, *Foreign Policy in a Constructed World*, New York: M.E. Sharpe, 2001.
- Wiener, Antje, "Constructivism: The Limits of Bridging Gaps", Available at: [http://www.ciaonet.org/olj/jird/jird\\_sep03\\_wia01.pdf](http://www.ciaonet.org/olj/jird/jird_sep03_wia01.pdf), may 2003.
- Zehfuss Maja, *Constructivism in International Relations*, London: Cambridge Univ Pr, 2002.

